

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل

پایه سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش نهایی

جامه‌ی سیاه پوشیدن در عزای حضرت اباعبدالله علیه السلام

یکی از دوستان پرسید آیا سیاه پوشیدن در ماه محرم و صفر ریشه‌ای دارد؟ آیا کار مکروهی نیست؟

به ذهنم آمد این را به صورت عمومی پاسخ دهم. به چند نکته باید توجه کرد تا پاسخ این سؤال به‌طور کامل روشن شود:

نکته‌ی اول: جامه‌ی سیاه پوشیدن بدعتی نیست که امروز گذاشته باشیم؛ سنتی است که از صدر اسلام وجود داشته است؛ یعنی رنگ سیاه از صدر اسلام رنگ عزا و ماتم بوده است و لذا افراد داغدار در مقام عزا و سوگواری لباس سیاه می‌پوشیدند.

ذکر چند نمونه برای این که مشخص شود پوشیدن لباس سیاه بدعت نیست؛ کار نویی نیست که بدون سابقه و پیشینه جعل و وضع کرده باشیم. سیاه پوشیدن سنتی از صدر اسلام است.

شاهد اول: در جنگ احد که هفتاد نفر از مسلمانان شهید شدند و سید الشهداء آنها حمزه علیه السلام عموی پیامبر بود. سیره‌ی ابن هشام می‌نویسد زن‌های مسلمانان از جمله ام سلمه^۱ در سوگ شهدای احد جامه‌ی سیاه برتن کردند.

شاهد دوم: ابو نعیم اصفهانی نقل می‌کند وقتی خبر شهادت اباعبدالله الحسین علیه السلام به مدینه رسید و این خبر به ام سلمه^۲ نیز رسید، ام سلمه در مسجد پیغمبر قبه‌ی سیاه رنگی بر پا کرد و خودش هم جامه‌ی سیاه پوشید و آنجا عزا بر پا کرد. این هم شاهد دوم که همسر پیامبر صلی الله علیه و آله در مقام عزا جامه‌ی سیاه پوشید.

شاهد سوم: مجمع الزوائد هیثمی نقل کرده است؛ وقتی جعفر طیار در جنگ موته به شهادت رسید و خبر شهادتش به اسماء رسید، اسماء بنت امیس^۳ جامه‌ی سیاه بر تن کرد.

^۱ ام سلمه همسر پیامبر بود و زن والامقامی است. ام سلمه از زنان بسیار خوب و شایسته‌ی رسول الله است؛ بر خلاف برخی از زنان پیغمبر که شخصیتشان به شدت مطرود است.

^۲ امام حسین علیه السلام ایشان را مادر خطاب می‌کردند. وقتی امام حسین علیه السلام قصد کردند از مدینه بیرون بیایند، مقداری خاک به ام سلمه دادند و فرمودند هرگاه این خاک تبدیل به خون شد بدان من شهید شدم؛ روز عاشورا همین اتفاق افتاد و آن خاک تبدیل به خون شد و ام سلمه فهمید که حسینش شهید شد.

شاهد چهارم: یکی از فرزندان امام سجاد علیه السلام نقل می‌کند که بعد از شهادت امام حسین علیه السلام زن‌های بنی هاشم در ماتم آن حضرت لباس‌های سیاه بر تن کردند؛ جامه‌های خشن پوشیدند و از گرما و سرما گله‌ای نداشتند و با همان جامه‌ی سیاه رنگ در همه‌ی فصول سر می‌کردند. جالب اینجاست پسر امام سجاد علیه السلام نکته‌ای که تأیید بر این قضیه است را از طرف معصوم نقل می‌کند؛ می‌گوید پدرم علی بن الحسین علیه السلام به خاطر اینکه آن خانم‌ها مشغول عزاداری بودند؛ خود غذا می‌پختند و برای خانم‌های عزادار می‌بردند. اگر این عمل یعنی جامه‌ی سیاه پوشیدن در ماتم و مصیبت اباعبدالله علیه السلام کار مکروهی بود، قطعاً امام معصوم علیه السلام تذکر می‌دادند؛ نه اینکه این رفتار تأیید آمیز را از خود نشان دهند. این داستان هم در کتاب‌های متعددی مثل محاسن برقی، وسائل الشیعه و بحارالانوار نقل شده است.

شاهد پنجم: وقتی اسرا را به شام بردند و مجالس عجیبی که بعد از آن تشکیل شد و برای یزید درست اثر عکس بخشید. یزید به شکلی خواست آن را ترمیم کند؛ مثلاً به اهل بیت علیهم السلام ملاطفت نشان دهد. گفت به اختیار خود می‌خواهید شام بمانید یا به مدینه برگردید؛ شما را آزاد می‌گذارم. اهل بیت علیهم السلام فرمودند بیشترین چیزی که الان طالبش هستیم این است که برای ابا عبدالله الحسین علیه السلام مجلس عزایی بر پا کنیم و گریه کنیم؛ نگذاشتند بر گشته‌های خود گریه کنیم؛ دل‌های ما پر از غصه است و دل‌مان می‌خواهد جایی این غصه‌ها را بگشاییم و عزاداری کنیم. یزید هم که می‌خواست خود را متنبّه شده نشان دهد یا چهره‌ای نشان دهد که من اصلاً با این داستان موافق نبودم، گفت خدا این مرجانه را لعنت کند که این واقعه را به وجود آورد؛ البته همه‌اش دروغ و بازی بود؛ ولی برای ظاهر سازی و برای اینکه دید جوّ شام علیه او در حال برانگیخته شدن است، قیافه‌ی نرمی به خود گرفت و گفت ایرادی ندارد. محل‌هایی را آماده کرد و در اختیار اسرا قرارداد تا مجلس عزای برپا کنند؛ زنان بنی‌هاشم و هر کس از قریش در شام بود، همه به نشانه‌ی عزاداری برای امام حسین علیه السلام جامه‌ی سیاه بر تن کردند و هفت شبانه روز در شام مجلس عزای برپا شد. این هم شاهده‌ی بر اینکه جامه‌ی سیاه پوشیدن در مصائب، خصوصاً در مصائب اباعبدالله الحسین علیه السلام از صدر اسلام سنت بوده است و با توجه به اینکه این عزاداران اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله هستند و در بین آنها امام معصوم، امام سجاد علیه السلام حضور دارند؛ پس فقط به دیده‌ی سنت نباید بدان نگاه کرد؛ بلکه این یک عمل مورد تأیید معصوم علیه السلام هم تلقی می‌شود. این ماجرا هم در کتاب‌های متعددی از جمله منتخب طریحی، مستدرک الوسائل و بحارالانوار نقل شده است.

^۲ اسماء از دوستان و نزدیکان حضرت زهرا علیها السلام بود. آن تابوت را اسماء بنا به وصیت حضرت زهرا علیها السلام برای آن بزرگوار ساخت. در مراسم غسل حضرت زهرا علیها السلام اسماء بود که بر پیکر مطهر حضرت آب می‌ریخت و امیرالمؤمنین علیه السلام از روی لباس حضرت زهرا علیها السلام را می‌شستند و غسل می‌دادند. اسماء بنت امیس همسر جعفر طیار است. جعفر طیار شهید والا مقامی است؛ یکی از سه فرماندهی جنگ موته است؛ برادر امیرالمؤمنین علیه السلام است که پسرش همان عبدالله بن جعفر بود که همسر حضرت زینب علیها السلام بود و مشفقانه توصیه کرد که اباعبدالله علیه السلام از مدینه حرکت نکنند.

شاهد ششم: در مجلس یزید، در مسجد جامع اموی دمشق، وقتی امام سجاد علیه السلام آن خطبه‌ی قرآ را خواندند و یزید را مفتضح کردند، فردی به نام منهال بلند شد و به امام سجاد علیه السلام عرض کرد ای پسر پیغمبر چگونه هستی؟ حضرت فرمودند چگونه باشد حال کسی که پدرش به شهادت رسیده است و اهل و عیالش را به اسیری گرفتند؟ من و اهل بیتم لباس عزا پوشیدیم و پوشیدن لباس نو بر ما روا نیست. این ماجرا را نیز کتاب‌های متعددی مثل ناسخ التواریخ در جلد امام سجاد علیه السلام و مقتل ابی مخنف نقل کرده‌اند. این هم نشان می‌دهد که جامه‌ی عزایی وجود دارد. البته اینجا تصریح به جامه‌ی سیاه نشده است؛ اما از اینکه جامه‌ای جامه‌ی شاخص برای عزا بوده است نیز می‌توان این برداشت را کرد.

شاهد هفتم: سلیمان بن راشد از پدرش نقل کرده است؛ امام سجاد علیه السلام را دیدم؛ در حالی که جبه‌ای سیاه رنگ بر تن داشتند و جلوی آن جبه باز بود؛ یقه‌اش باز بود.^۴ اگر جامه‌ی سیاه پوشیدن مکروه بود، امام معصوم علیه السلام که فعل مکروه انجام نمی‌دهد. این نقل هم اسناد متعددی دارد؛ از جمله کافی، وسائل الشیعه، مستدرک الوسائل و دعائم الاسلام.

شاهد هشتم: وقتی لقمان بن بشیر خبر شهادت امام حسین علیه السلام را برای مردم مدینه برد، وقتی قافله‌ی اسرا به بیرون مدینه آمدند، امام سجاد علیه السلام متوقف شدند و همراهان حضرت، اهل بیت حضرت علیهم السلام بیرون مدینه خیمه زدند و به لقمان فرمودند آیا تو هم مثل پدرت طبع شعری داری؟ عرض کرد بله یا بن رسول الله؛ فرمودند حال که این‌طور است، پس برو به مردم مدینه خبر بده که چه اتفاقی در کربلا افتاده است و قافله‌ی اسرا بیرون مدینه‌اند. وقتی لقمان وارد مدینه شد و خبر شهادت امام حسین علیه السلام را به مردم مدینه رساند، همه‌ی مردان مدینه جامه‌ی سیاه بر تن کردند و صدا به گریه و آه و ناله بلند کردند. این هم شاهد دیگری برای اینکه از صدر اسلام در مصائب و خصوصاً مصائب اباعبدالله الحسین علیه السلام جامه‌ی سیاه بر تن می‌شد. این ماجرا را مقتل ابی مخنف نقل کرده است.

شاهد نهم: در داستان شهادت امام کاظم علیه السلام، وقتی هارون امام کاظم علیه السلام را به شهادت رساند و چهار غلام پیکر آن بزرگوار را آوردند روی پل بغداد گذاشتند؛ بعد از مدتی که جنازه آنجا بود و دستگاه حکومتی هم ترفندی به کار برده بود تا ببیند چه کسی می‌آید ابراز علاقه می‌کند تا او را به عنوان دوستان اهل بیت علیهم السلام شناسایی کند. عموی هارون سلیمان بن ابی جعفر آمد و مراسم تشییع امام کاظم علیه السلام را برگزار کرد. نقل شده است که سلیمان بن ابی جعفر در تشییع جنازه‌ی امام کاظم علیه السلام جامه‌ی سیاه بر تن کرد. این روایت در بحارالانوار نقل شده است. این هم شاهی دیگر برای اینکه در مصائب، خصوصاً مصائب اهل بیت علیهم السلام از صدر اسلام، جامه‌ی سیاه می‌پوشیدند.

^۴ امام سجاد علیه السلام بعد از واقعه‌ی عاشورا به مدّت چهل سال سوگوار پدر بزرگوارشان بودند و در ماتم اباعبدالله علیه السلام می‌گریستند.

یکی از اصحاب برجسته‌ی امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام سیف بن عمیره است؛ او قصیده‌ای در مصائب اهل بیت علیهم السلام سروده است که یک بیت آن قصیده این است؛ وَالْبِسِ ثِيَابَ الْحُزْنِ يَوْمَ مُصَابِهِ مَا بَيْنَ أَسْوَدَ حَالِكٍ أَوْ اخْضَرَ؛ در روز عاشورا جامه‌ی سیاه تند یا سبز تیره بر تن کن. این بیت نشان می‌دهد لباس مشکی بر تن کردن از صدر اسلام سنت بوده است؛ پس این بدعتی نیست که شیعه تازه وضع کرده باشد و اسلام گفته باشد لباس مشکی پوشیدن مکروه است و ما چیزی بر خلاف حکم اسلام از خودمان درآورده باشیم. خصوصاً اینکه در بعضی موارد چه خود ائمه‌ی معصومین علیهم السلام جامه‌ی مشکی بر تن کردند؛ مثل داستان امام سجاد علیه السلام و چه نزدیکان ائمه علیهم السلام و خانواده‌های آنها جامه‌ی مشکی بر تن کردند. اعضای خانواده‌ی پیغمبر صلی الله علیه و آله مثل ام سلمه جامه‌ی مشکی بر تن کردند؛ افرادی مثل اسماء بنت امیس که از نزدیکان اهل بیت علیهم السلام بود جامه‌ی مشکی بر تن کردند و ائمه علیهم السلام هم صحه‌ای بر کار آنها گذاشتند.

نکته‌ی دوم: خود ائمه و اهل بیت علیهم السلام در مصائب جامه‌ی مشکی می‌پوشیدند.

شاهد اول: اصبع بن نباته که از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام است نقل می‌کند؛ بعد از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام خودم دیدم که حسنین علیهم السلام جامه‌ی سیاه بر تن کرده بودند. دو امام معصوم، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در مصیبت شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام جامه‌ی سیاه بر تن کرده بودند. این یک شاهد برای اینکه خود امام معصوم علیه السلام هم این کار را می‌کند. این روایت را در مجمع الدرر از اصبع بن نباته نقل کرده است.

شاهد دوم: بعد از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام عبدالله بن عباس پیش مردم شهر آمد و گفت امیرالمؤمنین علیه السلام به شهادت رسیدند؛ اما جانشینی برای خویش تعیین کردند؛ اگر دوست داشته باشید جانشین امیرالمؤمنین علیه السلام بین شما بیایند؛ اگر نه اجباری نیست؛ هر کار خودتان می‌خواهید بکنید. مردم زیر گریه زدند و گفتند ما طالب این هستیم که جانشین امیرالمؤمنین علیه السلام بیایند تا ایشان را ببینیم. بعد نقل شده است امام مجتبی علیه السلام در حالی که جامه‌ی سیاه بر تن کرده بودند، بین مردم آمدند و سخنرانی کردند و خطبه‌ای خواندند. این هم در شرح نهج البلاغه‌ی ابن ابی الحدید و مجمع الزوائد نقل شده است.

شاهد سوم: در روزهای آخر عمر شریف پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، جامعه هم در آستانه‌ی فاجعه‌ی عظیم از دست دادن رسول الله بود و هم در آستانه‌ی فجایع دیگری چون حمله به خانه‌ی حضرت زهرا علیها السلام و به آتش کشیدن آن خانه، مضروب و مجروح کردن حضرت زهرا علیها السلام و به شهادت رساندن محسن نوه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله بود؛ فجایع زیادی در پیش بود. نقل شده است امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آستانه‌ی رحلت خویش جامه‌ی مشکی بر تن کردند. یعنی به پیشواز این مصیبت رفتند و در حالی که جامه‌ی سیاه بر تن حضرت بود، به مسجد آمدند و آخرین نماز جماعت را برگزار کردند و بعد هم سخنرانی کردند و خطبه

خواندند. این ماجرا در بصائر الدرّجات نقل شده است. این هم از خود رسول الله ﷺ که جامه‌ی مشکی پوشیدند. آیا پیغمبر معصوم ﷺ کار مکروه انجام می‌دهند؟!

شاهد چهارم: روایتی است که در بحارالانوار، کامل الزیارات ابن قولویه و مقتل خوارزمی نقل شده است. روایت این است که بعد از شهادت ابا عبد الله الحسین علیه السلام یکی از فرشتگان بهشتی آمد و بال‌های خود را بر فراز دریا‌های عالم پهن کرد و بر این ماتم صیحه‌ای کشید و گفت ای اهل دریاها جامه‌ی عزا بر تن کنید که فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله را مظلومانه سر بریدند؛ پس جامه‌ی عزا بر تن کردند.

شاهد پنجم: دختر ابا عبدالله الحسین علیه السلام، سکینه بنت الحسین علیه السلام خطاب به یزید فرمودند: من دیشب خوابی دیدم. بعد خواب را تعریف کردند. گفتند در آن خواب خادم بهشتی‌یی را دیدم که دست مرا گرفت و مرا داخل قصری کرد؛ داخل آن قصر پنج بانوی نورانی را در عالم رؤیا مشاهده کردم که در بین آن پنج نفر یکی از آنها خیلی عظیم‌القدرتر و نورانی‌تر بودند؛ ایشان مو پریشان کرده بودند و جامه‌ی سیاه بر تن کرده بودند و پیراهن خون‌آلودی بر دست داشتند. بعد حضرت سکینه علیه السلام فرمودند ایشان جدّه‌ی ما فاطمه الزهرا علیه السلام بودند. این روایت را بحارالانوار، مستدرک الوسائل و منتخب طریحی نقل کردند.

اینها هم شواهدی بر اینکه خود معصومین علیهم السلام در مصائب اهل بیت علیهم السلام جامه‌ی سیاه پوشیدند؛ دیگر چه اعتراضی؟! این سنتی است که خود معصوم علیهم السلام عملاً به آن عمل کرده است.

نکته‌ی سوم: در طول تاریخ چهارده قرن ما، فقهاء بزرگ شیعه بر عدم کراهت جامه‌ی سیاه پوشیدن بر مصائب اهل بیت خصوصاً مصائب ابا عبدالله الحسین علیه السلام فتوا دادند و اینکه اصلاً بهتر است و رجحان دارد که انسان در این ایام جامه‌ی سیاه بر تن کند.

فتاوی متعّدی نقل شده است. چند نمونه از آنها را بیان می‌کنیم:

مرحوم بحرانی، این عالم بزرگ شیعه، فتوای بر این امر داده است که پوشیدن جامه‌ی سیاه حتی اگر در سایر موارد هم کراهت داشته باشد، در مصیبت ابا عبد الله الحسین علیه السلام و چنین مواردی مستثنی است و مستثنی بودن آن بعید نیست؛ چراکه جامه‌ی سیاه مظهر حزن است و چقدر روایت مؤکّد داریم که شیعه در این ایام سوگواری کند و جامه‌ی سیاه پوشیدن هم یکی از شعائر سوگواری است. این فتوای مرحوم بحرانی در حدائق الناظره نقل شده است.

محدّث نوری (علامه نوری) روایات متعدّدی را در این زمینه نقل کرده است و سپس می‌گوید این همه روایات و قضایا اشاره دارد و حتی دلالت دارد بر اینکه جامه‌ی سیاه پوشیدن در عزای امام حسین علیه السلام مکروه نیست و رجحان هم دارد.

از شخصیت بسیار والا مقام فقهی شیعه، مرحوم آقا سید محمد کاظم یزدی (صاحب عروة الوثقی) در این مورد استفتاء کردند؛ ایشان هم پاسخ دادند پوشیدن جامه‌ی سیاه در مصیبت و حزن ابا عبدالله الحسین علیه السلام رجحان دارد و موجب خشنودی پیغمبر خدا و ائمه‌ی هدی علیهم السلام است. از برخی روایات هم این رجحان و مطلوبیت استفاده می‌شود. بنابراین حتی اگر در سایر موارد مکروه باشد، در مصائب امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام مستثنی است.

علامه مامقانی هم بر همین امر فتوا داده است و بعد از استدلالاتی می‌نویسد علاوه بر همه‌ی آنچه ذکر کردیم، عدم کراهت بلکه رجحان سیاه پوشی در عزای ائمه علیهم السلام و حتی مطلق مؤمنین را بیان کردند؛ یعنی ایشان فراتر از ائمه علیهم السلام هم می‌گویند.

نکته‌ی چهارم: کتاب‌های مستقلی در این زمینه توسط علمای شیعه تألیف شده است.

یک کتاب را نوه‌ی صاحب ریاض سید جعفر طباطبایی نوشته است به نام ارشاد العباد إلی استحباب لبس السواد علی سید الشهداء و الأئمة الأجداد، یعنی ارشاد و راهنمایی بندگان خدا به پوشیدن جامه‌ی مشکی در مصائب ابا عبدالله و ائمه علیهم السلام.

کتاب دوم نوشته‌ی سید حسن صدر رضوان‌الله‌علیه به نام تبیین الرشد فی استحباب لبس السواد علی الأئمة الأجداد است.

کتاب سوم که به فارسی نوشته شده است، به نام سیاه پوشی در سوگ ائمه‌ی نور نوشته‌ی آقای ابوالحسنی منظر است.

اینها نمونه‌ی کتاب‌هایی است که مستقلاً در بحث سیاه پوشیدن در مصائب ائمه علیهم السلام و به طور خاص ابا عبدالله الحسین علیه السلام تألیف شده است. کتاب‌های دیگری هم وجود دارد که فتاوی فقها را از دورترین ایام تا فقه‌های معاصر جمع‌آوری کردند و عین فتوا را با مهر آن مرجع در آن کتاب گردآوری و چاپ کردند. مثل کتاب عزاداری سید الشهداء مال سبط حسین زیدی. صدها فتوا از مراجع شیعه را در طول تاریخ جمع کرده است و بسیاری از فتاوا را عین فتاوی آن فقیه شیعی و با مهر خودش در آن کتاب آورده است. یا کتاب عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه نوشته‌ی علی ربّانی خلخالی، او هم صدها فتوا را در این زمینه جمع‌آوری کرده است.

ششمین نکته در پاسخ به کسانی که به مشکی پوشیدن و سیاه پوشیدن در مصائب ابا عبدالله الحسین علیه السلام ایراد می‌گیرند این است که در کتاب‌های فراوانی وجود دارد که گرچه کل کتاب مستقلاً راجع به این موضوع

نوشته نشده است؛ ولی یک فصل آن کتاب به استحباب پوشیدن جامه‌ی سیاه در مصائب اباعبدالله علیه السلام اختصاص پیدا کرده است؛ مثل کتاب مجمع الدرر فی مسائل اثنی عشر نوشته‌ی آیت الله حاج شیخ عبدالله مامقانی، کتاب الدعاة الحسینیه نوشته‌ی مرحوم آیت الله شیخ محمدعلی نخجوانی، کتاب نجات الامة فی اقامة العزاء علی الحسین و الائمة علیهم السلام نوشته‌ی حاج سید محمد رضا حسینی فهام.

نکته‌ی هفتم: می‌خواهیم به بحث مکروه بودن پوشیدن جامه‌ی سیاه بپردازیم. جدا از اینکه در مورد ائمه علیهم السلام و امام حسین علیه السلام تجویز شده است؛ بعد استحبابش مطرح شده است؛ اما می‌خواهیم به همین ادعا که جامه‌ی مشکی پوشیدن مکروه است، بپردازیم.

اگر روایاتی که در این زمینه وجود دارد را بررسی کنید، خواهید دید که ناظر بر مقطع خاصی است. بنی عباس جامه‌ی سیاه را یونیرم خود قرار داده بودند؛ لباس سیاه پوشیدن نشان دهنده‌ی عضویت در حزب بنی عباس بود. روایاتی که اعلام کراهت کرده است و از پوشیدن جامه‌ی سیاه نهی کرده است، عمدتاً ناظر بر این است. یعنی فرمودند این جامه، جامه‌ی دشمنان ماست. این جامه، جامه‌ی فرعون و آل فرعون است. بنابراین این کراهت ناظر بر دوره‌ای از تاریخ بوده است که این جامه‌ی مشکی سنبل عضویت در حزب بنی عباس می‌باشد؛ امروز که حزب بنی عباسی نیست. پس معلل بر یک علت خاصی است؛ وقتی آن علت وجود ندارد؛ آن معلول هم منتفی خواهد بود.

تازه وقتی سراغ ادله‌ی کسانی که به کراهت جامه‌ی مشکی معتقدند می‌آیید، برخی مدعی‌اند اجماعی است؛ در حالی که واقعاً اجماعی نیست. فقهای متعددی بودند که فتوای بر کراهت ندادند. برخی می‌گویند فتوای مشهور این است و به دلیل همین شهرت فتوایی خود این حجیت پیدا می‌کند؛ در حالی که مستندات این فتاوا واقعاً قابل بحث است و خیلی چیزهای محکم و مشخصی نیست. وقتی مستندات محکم نباشد، شهرت فتوایی هم حجیت پیدا نمی‌کند.

روایاتی که در کراهت پوشیدن جامه‌ی مشکی نقل شده است، غالباً مرسل و ضعیفند؛ یعنی سلسله‌ی سند نقل نشده است. شخصی گفته است امام صادق علیه السلام فرمودند این گونه؛ تو از کجا شنیدی؟ از چه کسی شنیدی؟ او از چه کسی شنیده است؟ سلسله‌ی سند حدیث مشخص نیست و از نظر اعتبار حدیث ضعیف است و حدیث ضعیف قابل اعتماد و اتکا نیست. اگر هم برخی از علما به استناد برخی از همین روایات ضعیف نظر دادند که پوشیدن جامه‌ی مشکی در مواقع عادی کراهت دارد؛ این از باب تسامح در ادله‌ی سنن است. بنابراین اصل داستان مکروه بودن پوشیدن لباس مشکی خود یک بحث کاملاً متزلزل است؛ در حالی که آن همه ادله که خدمتتان عرض کردم که پوشیدن جامه‌ی مشکی در همه‌ی ماتم‌ها و مصائب، خصوصاً مصائب اهل بیت علیهم السلام به ویژه در مصیبت اباعبدالله الحسین علیه السلام از صدر اسلام یک سنت بوده است و عملی

است که مورد تأیید خود ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام هم قرار گرفته است؛ بنابراین ایرادی که بر آن نیست هیچ؛ به عنوان یک عمل مستحب پسندیده و شایسته است. برخی از مراجع تقلید، مراجع و فقهای بزرگ شیعه تمام دو ماه محرم و صفر را جامه‌ی مشک‌ی برتن داشتند. بنابراین فکر می‌کنم با این همه توضیحی که دادم امیدوارم مسئله برای کسانی که دچار تردید شدند یا کسانی که تردید افکنی می‌کنند، حل شده باشد.